اخوی

**شهادت امام صادق 5 خرداد 1401**

**رازداری در سازمان**

یکی از نکات بسیار مهم در زندگی این است که هر کس دنبال هدایت و رشد و تعالی است از این رو باید کسانی باشند که در این زمینه گام بردارند؛ انبیا، پیامبران، ائمه علیهم السلام و علما همواره در مسیر تربیت و هدایت انسانها گام برمی داشتند.

در روایت آمده که 12 معصوم علیهم السلام در شرایط سخت و ناهموار، هدایت انسان ها را برعهده داشتند.

امام صادق علیه السلام در دوران بنی عباس و بنی امیه و در حالی که این دو طائفه برای رسیدن به قدرت با هم رقابت می کردند و مشغول جنگ و ستیز بودند از فضای بوجود آمده استفاده کرد و به همراه پدر بزرگوارشان حضرت امام باقر علیه السلام به فعالیت علمی و تبلیغی پرداختند. امام صادق سال 83 قمری به دنیا آندند 31 ساله بودند که به مقام امامت رسیدند و 65 سال از عمر با برکت خود را صرف هدایت مردم کردند. ایشان 5 خلیفه بنی امیه و 2 خلیفه بنی عباس را در طول عمر خود دیدند، اوج تغییرات و تحولات در این سالها باعث شد ایشان فرصت مناسبی برای نشر حدیث به دست آوردند و حوزه های علمیه خاصی را ایجاد کردند و حدود 4 هزار شاگرد داشتند که هر کدام از آنها یک هادی و راهنما بودند. شرایط دوران ایشان بسیار سخت بود ولی بسیاری از مباحث فقهی و کلامی در زمان ایشان و در درس های ایشان مطرح می شد و امروز ما میراث دار آن مکتب پرافتخار هستیم.

در طول تاریخ آموزه های اسلامی نسل به نسل به ما منتقل شده است حضرت امام صادق علیهم السلام در این باره می فرماید: «إِنَّا لَنُحِبُّ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ كَانَ عَاقِلا فَهِما فَقِيها حَلِيما مُدَارِيا صَبُورا وَفِيّا إِنَّ اَللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَصَّ اَلْأَنْبِيَاءَ بِمَكَارِمِ اَلْأَخْلاَقِ فَمَنْ كَانَتْ فِيهِ فَلْيَحْمَدِ اَللَّهَ عَلَى ذَلِكَ وَ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلْيَتَضَرَّعْ إِلَى اَللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ لْيَسْأَلْهُ إِيَّاهَا قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا هُنَّ قَالَ هُنَّ اَلْوَرَعُ وَ اَلْقَنَاعَةُ وَ اَلصَّبْرُ وَ اَلشُّكْرُ وَ اَلْحِلْمُ وَ اَلْحَيَاءُ وَ اَلسَّخَاءُ وَ اَلشَّجَاعَةُ وَ اَلْغَيْرَةُ وَ اَلْبِرُّ وَ صِدْقُ اَلْحَدِيثِ وَ أَدَاءُ اَلْأَمَانَةِ . امام صادق عليه السّلام فرمود: ما از شيعيانمان كسانى را كه عاقل، خوش فهم، بردبار، مداراكننده، صبور و با وفا باشد، دوست داريم، خداوند متعال اخلاق عالى انسانى را به انبياء اختصاص داده، هر كس اين مكارم را دارا بود بايد خدا را بر آن شاكر باشد و هر كس آنها را نداشته باشد، بايد با تضرّع و خواهش آن را از خدا درخواست كند، راوى گويد: عرض كردم: قربانت گردم آنها چه صفاتى است؟ فرمود: پرهيزگارى، قناعت، صبر، شكر، بردبارى، حيا، سخاوت، شجاعت، غيرت، خوش رفتارى، راستگويى و امانت دارى.»

عقل یک نعمت بزرگ الهی است که جلوی شهوات و هوای نفس را می گیرد و خواسته ها را تعدیل می کند.

فقه یعنی آگاهی نسبت به دین. ما بسیاری از اطلاعات دینی مان کافی و کامل نیست، برخی با اینکه در حوزه های مختلف اطلاعات زیادی دارند ولی نسبت به کسب آگاهی های دینی اهمال می کنند از این رو در برابر شبهات خیلی زود تسلیم می شوند.

اهل سازگاری و مدارا بودن صفتی است که در ارتباطات فردی، خانوادگی، اجتماعی و اداری می تواند سبب رشد و پیشرفت انسان شود و از بروز بسیاری از مشکلات و تنش ها جلوگیری کند.

صبر در روایات به صبر در طاعت، معصیت و مصیبت تقسیم شده است. صبر به تعبیر روایات رأس ایمان است.

صداقت هر چند کار سختی است ولی خیلی شیرین است. گاهی سفارش به عدم صداقت و منکر می کنند تا کارشان راه بیفتند ولی باید دانست که نان صداقت را خوردن بسیار حلال است.

وفادار بودن از فضائل اخلاقی است که نسبت به پیمان هایی که انسان با خدا، خانواده، حکومت اسلامی، دوستان، همکاران و اداره و سازمانی که در آن کار می کند ظهور و بروز پیدا می کند.

یکی از موضوعات اخلاقی در سازمان وفاداری نسبت به آن است. سازمان مانند خانواده است، بلکه گاهی مهم تر از آن است چون در خانواده همه مسئولیت با خودمان است ولی سازمان چون بزرگ و ارتباطات وسیعی در آن حاکم و حساسیت بسیار بالایی در نوع روابط حاکم است، بنابراین وفاداری و رازداری در سازمان بسیار مهم است.

در مورد رازداری موارد زیر حائز اهمیت است:

1. ضرورت رعایت: یکی از اصول کار سازمانی حفظ اسرار سازمانی است و این مساله در برخی نهادها از چنان اهمیتی برخوردار است که سازمان حفاظت برای آن تشکیل می دهند.
2. بخش مهمی از رازداری سازمانی مربوط به اسناد، مدارک و اطلاعات است. این مساله نسبت به اهمیت طرح ها و برنامه های یک سازمان و یا ارتباطاتی که سازمان با افراد مختلف دارد مختلف است.
3. انگیزه افشای اسرار: خودنمایی، پرحرفی، اعتماد به رفاقت و دوستی ها، حسادت، رقابت و انتقام می تواند از عواملی باشد که افراد در سازمان ها دست به افشای اسرار می زنند. البته گاهی این مساله ناخواسته است مانند پرحرفی که فرد ناخواسته مرتکب افشای اسرار می شود.
4. آثار و آسیب ها: رعایت نکردن رازداری به عنوان یک اصل سازمانی می تواند آثار و آسیب های ناگواری داشته باشد به گونه ای که گاهی سازمان را از رسیدن به هدفش بازدارد. در بعد فردی اما ایجاد بدبینی، استرس شغلی، درگیری و نزاع، کاهش انگیزه، افت کار، پرخاشگری، رواج تهمت، افترا، غیبت و بدگویی از آسیب های آن است.

**مواردی از رازداری در سازمان:**

1. لزوم حفظ اسرار در جلسات: گاهی در جلسات مطالبی گفته می شود که بیانش در آن جلسه لازم نیست. برخی موضوعات را تنها باید تعداد خاصی بدانند وگرنه عملکرد سازمان مختل می شود. مباحثی مثل تعدیل نیرو، افزایش یا کاهش حقوق، پیشنهاد جابجایی افراد در پست ها اگر در زمان خودش مطرح نشود انگیزه ها را از بین می برد. گاهی انتشار نابجای برخی اخبار به سبب عدم رعایت رازداری موجب ایجاد آشوب یا آسیب های جبران ناپذیر در سازمان شده است.
2. حفظ راز و اسرار دیگران در مراکز یا واحدهایی که محل بیان اسرار افراد است، مثل مرکز مشاوره، صیانت، امور اساتید برخی واحدهایی که با اسرار دیگران سر و کار دارند. اساتید و مدیران به دلیل ارتباط گسترده با طلاب و کارکنان و به دلیل اینکه در بسیاری موارد به عنوان مشاور و راهنمایی به آنها مراجعه می شود باید مراقب باشند تا اسرار طلاب و کارکنان را فاش نکنند.
3. حفظ اسرار در ارتباطات بیرونی. برخی عادت دارند برای همراه کردن یک سازمان دیگر با خودشان، اسرار سازمانی را پیش آنها مطرح می کنند. این کار درست نیست و از نظر سازمانی و اخلاقی نوعی خیانت به شمار می رود.
4. حفظ اطلاعات در گفتگوها: گاهی دو مدیر با هم صحبت می کنند و مثلا راننده ای که همراه آنها است اطلاعات را می شنود یا آبدارچی که برای پذیرایی داخل اتاق آمده است بسیاری از مطالب را متوجه می شود در حالی که هیچ ضرورتی ندارد که این گفتگوها جلوی دیگران انجام شود.
5. گفتگوهای تلفنی: تلفن اساسا یک وسیله برای ارتباطات ضروری است، اینکه برخی عادت دارند همه کارهایشان را به صورت تلفنی انجام می دهند خود نخستین اشتباه است چون خواسته یا ناخواسته بسیاری از اطلاعات در گفتگوهای تلفنی رد و بدل می شود، از سوی دیگر در جایی که چاره ای از تماس تلفنی نداریم باید مراقب باشیم. برخی آن قدر با صدای بلند صحبت می کنند که همه همسایه ها هم از متن مکالمه آنها مطلع می شوند چه رسد به اینکه شخصی مورد رصد سازمانهای جاسوسی باشد. بنابراین در گفتگوهای تلفنی به ویژه با افراد و نهادهای خارج از سازمان باید مراقب بود تا اطلاعات و آماری ارائه داده نشود.
6. در نوشته ها، گزارش های مکتوب و گروه ها و کانال های پیام رسان ها باید مراقب بود تا آنچه مطرح می شود دارای رده بندی نباشد یا از اطلاعاتی نباشد که مورد سو استفاده قرار گیرد.
7. همکاران حقوقی، بازرسی و اداری مالی باید مراقب باشند تا اسرار دیگران و اسرار سازمانی را فاش نکنند چون به خاطر نوع کارشان به برخی آمار و اطلاعات دسترسی دارند.
8. حفظ اسرار همکاران خانم: در مجموعه ما که متعلق به خواهران است باید بسیار مراقب بود چرا که کوچکترین افشاری اسرار در این زمینه ممکن است بازی با آبروی افراد باشد. توجه به این نکته که اطلاعات خواهران نزد ما محرمانه است و باید حفظ شود بسیار مهم است.

به هر حال ما اخلاق را امری درونی و ذاتی می دانیم نه تنها یک الزام سازمانی و رازداری و حفظ اسرار یکی از مهمترین امور اخلاقی به ویژه در جایی است که با نوامیس مردم سر و کار داریم.

**اخوی 12 خرداد 1401 دهه کرامت میلاد حضرت معصومه**

**امانت داری در سازمان**

مسئولیت، مدیریت، امکانات و فرصت هایی که در اختیار ماست توفیق الهی و امانتی بر دوش ماست.

امانت به معنای مال، آبرو، علم و اسرار و امکاناتی است که در اختیار ماست و امانت دار کسی است که اینها را حفظ و رعایت کند.

امانت داری یکی از موضوعات اخلاقی در طول تاریخ بوده است عقل، عرف، شرع و قانون حکم می کنند که باید امانت ها را حفظ کنیم.

امانت ها مختلفند؛ امانت خدا، امانت پیامبر (ص)، امانت اهل بیت علیهم السلام و امانت مردم.

والذینهم لاماناتهم و عهدهم راعون کسانی که معتقد به خدا و ... هستند به عهد و امانت

ان تود الامانات باهلها در روایت هست که منظور حکومت را به اهل بیت بسپاریم

در روایات به طول رکوع و سجود افراد نگاه نکنید بلکه به صدق الحدیث و ادائ الامانه نگاه کنید

این نشادن می دهد به عمل کار برآید به سخنرانی نیست .

آیه معروف در داستان حضرت موسی که شعیب به دخترش می گوید اگر می خواهی کسی را اجیر کنی قوی و امین باشد

امانتها همه اش فردی نیست. در سازمان همه کار ها امانت است از ورودی تا خروجی. از امکانات معنوی تا مادی

از پشت و مقام و مسئولیت تا ابزاری مثل کاغذ و خودکار و تلفن و ...

امانات فقط شامل چیزهای خاصی نیست بلکه دایره آن وسیع است، نیروی انسانی و طلاب هم امانت هستند. در نگاه های دینی ودیعه و عاریه و اجاره هم هست در بسیاری از روایات امانت و صداقت کنار هم آمده است

حتی عفت و احساسات و رازهای افراد در سازمان امانت است

جابجایی پست ها موقعیت ها

پیامبر. کسی از پیامبر می خواهد که مرا بکار نمی گیری ؟ حضرت دستی روی شتانه اسش می گذارد و می گیید تو ضعیفی و این کار یا پست سنگین و مهم است و تو از پس آن بر نمی آیی و به درد تو نمی خورد و روز قیامت در روز قیامت موجب خواری و پشیمانی می شود

ما وقتی پستی به ما پیشنهاد می شود حتی اگر توانش را نداریم می پذیریم

بیشتر افراد پست ها را رها نمی کنند

اگر فردی را در پستی قرار دهیم و او یک نخ یا بالاتر از آن را از ما پنهان کند خائن است و مالی را که از آن سواستفاده کرده در روز و قیامت غل زنجیری می شود

حتی اگر کسی شایسته پست و مقامی باشد و آن پست را به او ندهند خیانت کرده اند

امام علی در نامه به فرماندار آذربایجان: و ان عملک لیس بطعمه و لکنک امانه این پست و مقام ها طعمه و شکار و زمینه ای برالی خوردن و بردن نیست اینها در گردن افراد امانت و موقت است.

حضرت امام: در قیامت حتی برای دست هایی که تکان دادیم باید پاسخ دهیم

اگر کسی امانت داری کرد چه سودی برای سازمان دارد؟

وقتی انسان به وظیفه خودش به درستی عمل کند محبوب خدا می شود همه تلاش ما این است که رضایت الهی را کسب کنیم

در روایت آمده که امانت داری از صفات اخلاقی است که باعث جلب رضایت الهی می شود. یکی دیگر از آثار امانت داری کسب رزق و روزی است. اگر نسبت به امانت های اداری و سازمانی رعایت کنیم در جای دیگر خداوند «من حیث لایحتسب» به ما عطا می کند. کسانی که اختلاس های بزرگ می کنند از همین امانت های کوچک در ادارات و سازمان های کوچک شروع کرده اند. برخی برای توجیه کار خود می گویند چون حق مرا نمی دهند من هم در فلان امانت خیانت می کنم یا فلان مال را به جای آن بر میدارم. این یک توجیه غیرشرعی و نادرست است

یکی دیگر از آثار امانت داری و حفظ بیت المال، اعتمادسازی است. هم اعتماد سازمان نسبت به ما و هم اعتماد مردم نسبت به سازمان جلب می شود.

جلب رضایت مردم و رونق کسب و کار از دیگر آثار امانت داری است. البته رونق کسب و کار در ارتباط کسبه با مردم رخ می دهد ولی در ادارات و سازمان ها این مساله باعث جلب رضایت مردم، مدیران، افزایش مراجعه آنها و نیز سازمانها و نهاد های دیگر و در نهایت پویایی سازمان می شود که از برکات آن نظام مقدس جمهوری اسلامی بهره مند می شود.

سعادت دنیا و آخرت و ثروت بیشتر از آثار امنت داری است

پست و مقام و جایگاهی که به ما داده می شود نیز از امانت ها است و بر اساس شایستگی است نه بر اساس رابطه مندی، اطاعت مندی و ... . برای لحظه لحظه خدمت در این پست عبادت محسوب می شود و برای تمام سوالات ما سوال می شود انکم مسئولون. یکی از وظایف مدیران برای حفظ بیت المال بکارگیری و گماردن نیروهای کارآمد و متدین در مراکز حوزوی و دینی است. اگر صرفا برای اینکه کارها راه بیفتد کسی که مشکل اخلاقی دارد گمارده شود این امانت داری در پست گماری نیست.

**اخوی 26 خرداد امانت داری در سازمان**

امانت داری در سازمان به معنای حفظ بیت المال است. همه سازمانها باید یک سری ویژگی های اخلاقی را مثل امانت داری و رازداری و .... را رعایت کنند.

در روایات حدیث ثقلین کتاب و عترت امانت های خدا نزد ما هستند

**مصادیق امانت داری**

1. پست و مقام امنت است و به فرموده امام علی علیه السلام طعمه نیست بلکه وسیله ای برای خدمت است. در مورد پست و مقام در مرحله نخست، پذیرش آن مطرح می شود، اگر کسی نمی تواند بار امانت بکشد نباید قبول کند. برخی هر پستی به آنها پیشنهاد می شود می پذیرند در حالیکه هیچ تخصصی ندارند. رد کردن پستی که تخصص و توانایی آن در فرد وجود دارد نیز همین گونه است، اگر کسی بخاطر راحت طلبی و تنبلی مسئولیتی را که در توانش هست نپذیرد این هم نوعی خیانت در امانت است. بحث سوم حفظ پست ها است، وقتی پستی به ما سپرده می شود امانتی است که بلاخره روزی باید به دیگری سپرده شود. این امانت باید خوب نگه داشته شود. ما برای اموال و موقعیت خودمان خوب تلاش می کنند ولی برای پست هایشان مخصوصا اگر روزهای آخر مسئولیتش باشد نگهداری نمی کنند.
2. نیروی انسانی در هر مجموعه ای یک نعمت و یک ظرفیت و امانت است. هر کدام از نیروها از خدمه تا مدیران و اساتید و ... همه امانت و خدمتگزار مجموعه هستند. کوچکترین بی احترامی به آنها خلاف امانت داری است. در بحث حق و حقوق و شخصیت و واگذاری پست و مقام به آنها باید رعایت کرد. در مدیریت می گویند کسی که نقد می کند دلسوز مجموعه است نه کسی که تعریف و تملق می کند.
3. وقت و زمانی که در سازمان هستیم امانت است و باید درست و به موقع و برای سازمان استفاده شود. انجام معامله، مطالعه ، کارهای شخصی و صحبت های غیرکاری، تلفن زدن ها، استفاده از اینترنت و برق و ... در محل کار خلاف امانت است. علاوه بر زمان، همه امکانات و تسهیلات درون مجموعه امانت است و باید برای کار این سازمان از آنها استفاده کرد و حتی نمی شود از آن برای کار سازمان دیگری استفاده کرد. برای تک تک این امکانات باید پاسخگو باشیم.
4. استفاده از موقعیت سازمانی، برخی برای کارهای خودشان از اعتبار موقعیت سازمانی شان استفاده می کنند این کار هم خلاف امانت داری است
5. جلسات داری هم یکی از مواردی است که باید به آن توجه کرد چه در زمان آن و چه در وقت حضور فرد، گاهی مساله ای که می شود در یک ساعت جلسه آن را بررسی و جمع کرد چندین جلسه برای آن گرفته می شود، گاهی فرد با دیر آمدن در جلسه وقت چندین نفر را می گیرند.
6. خریدهای سازمانی همه امانت است ما برای خرید های شخصی کلی بررسی و قسمت گیری و چانه زنی می کنیم ولبی برای سازمان این کار را نمی کنیم
7. با توجه به اینکه در جامعه الزهرا زنان و دختران مردم درس می خوانند و کار می کنند همه اینها امنت هستند و باید رعایت شود و در حکم ناموس ما هستند.
8. حفظ آرمان ها ارزش ها و مقدسات در سازمان با توجه به این که یه نهاد حوزوی هستیم امانت است، علما، بزرگان و شهدای زیادی از جان و مال و آبرو گذاشتند تا این مقدسات و ارزش ها به ما برسد
9. تخصیص لوازم و امکانات به واحدها، اگر این تخصیص ها با رابطه و رفاقت باشد خلاف است. میزان لوازم درخواستی اداره ها هم باید متناسب با میزان کارشان باشد، جمع کردن بیجای امکانات خلاف امانت داری است.
10. تشویقات و پاداش ها، گزارش دادن های کاری، اسناد، مدارک، جزوات، اقلام مصرفی، استفاده از سرویس عمومی، قراردادن امکانات در اختیار فرزندان و آشنایان، حتی گل و گیاه های داخل مجموعه، ساختمان ها و متعلقات آن، جلسات غیرمرتبط با سازمان که در داخل و خارج از سازمان تشکیل می شود. انتقال تجربیات و مهارت ها، همه اینها امانت است.

**حسینخانی 9 تیر شهادت امام جواد**

انتقادپذیری در سازمان

معنای نقد جدا کردن جهتت قوت و ضعف

انتقاد پذیر با نشانه هایی می تواند انتقاد پذیری خودش را تشخیص دهد

1. خودش را عاری از عیب نداند
2. گوش شنوا داشته باشد
3. با سخنان ناروا برخورد کریمانه داشته باشد
4. حلم داشته باشد. درباره معنای حلم رهبری می فرماید ویژپی خاصی که به ایشان کمک می کرد حلم ایشان بود آقای بهشتی به معنای واقعی کلمه حلیم بود. حلم را نمی توانند ترجمه کنند و در فارسی به معنای جنبه داشتن است. ایشان دیر عصبانی می شد. اصولا آقای بهشتی کسی نبود که از میدان به در رود....

آدمهایی که این ظرفیت انسانی را ندارند برای کار مدیریت به درد نمی خورند.

ایشان در مقابل ستایش و تمجید نیز حلیم بودند و خود را گم نمی کردند. طوفانی که از تمجید به وجود می آید کمتر از اهانت نیست و حتی از آن نیز غرق کننده تر است.

1. اقرار به اشتباه کسی که اشتباه می کند. امیر المومنین در مناجاتشان می فرماید خدایا اگر مرگ من نزدیک شده و دستم هم خالی است تنها یک وسیله دردست دارم و آن اینکه اقرار کنم به گناهان و اشتباهاتم

رهبری در مورد حضرت امام می فرماید ایشان در اواخر عمر مخصوصا در نوشته هایشان اقرار به اشتباه در برخی مسائل کرده اند. روح یک انسان خیلی باید بلند باشد که اشتباه خود را بپذیرد.

در مورد آیت الله مدنی هم می فرماید ایشان در کارها و خطبه هایش خیلی دقت داشت که اشتباه نکند ولی اگر اشتباه کرده بود با شجاعت اعلام می کرد و باکی از آن نداشت.

1. منتقد را قلبا دوست داشته باشد. قضاوت در این مورد شخصی و وجدانی است و کسی نمی تواند بگوید شما منتقدت را دوست داری یا نه. در جریان قوم حضرت صالح در قرآن آمده و تولی علیهم و قال یا قومی ابلغت رساله ربی ... ولکن لاتحبون الناصحین. امیر المومنین به دوستان منتقد می فرماید بهترین افراد در نزد تو کسانی اند که اگر اشکالی در تو هست آنها به تو تذکر می دهند.

**آثار و نتایج انتقادپذیری:**

1. بهره مندی از یک پشتوانه فکری رایگان. رهبری می فرماید بسیاری از نامه هایی که نخبگان و فرزانگان حو.زه و دانشگاه می فرستند نگاه می کنم و می خوانم. انتقاد دارند به بنده بته شما به فلان کار و برنامه. اعتراض دارند به برخی کارها.... اما یک جا هم در خلال حرف ها انسان می بیند که یک حرف خوبی هست و استفاده می کند. ذهن فعال این انسان نخبه را انسان باید برای خودش نگه دارد.
2. خطاهای انسان کم می شود. وقتی از پشتوانه فکری دیگران استفاده کردیمنتیجه اش لحاظ همه ابعاد قضیه و کم شدن خطاها است.
3. ظرفیت ما برای خدمت رسانی افزایش پیدا می کند. مرحوم ابوترابی در دوران اسارت به اسرا توصیه می مند. برادران عزیز بی حوصلگی توان خدمت را کاهش می دهد . طوری زندگی کنید که کاسه صبرتان تحت هیچ شرایطی لبریز نشود مگر ـنجا که برای خداست.
4. عنایت ویژه الهی به کسی که انتقاد پذیر است. امام جواد: المومن یحتاج الی ثلاث خصال. توفیق من الله عزوجل و واعظ من نفسه و قبول من م . پذیرش به معنای عمل به نقد نیست همینکه تحمل کند. بشنود و صبوری کند کافی است

امام هادی وقتی خدا به بنده ای خیر بخواهد بدهد وقتی مورد نقد واقع می شود می پذیرد.

**16 تیرماه/ حسین خانی**

چطور انتقاد پذیر شویم

1. خودمان را ملزم کنیم که انتقاد پذیر شویم. گفته شد که حلم از فضایل اخلاقی است که به معنای جنبه داشتن و ظرفیت داشتن است. اگر این ظرفیت را نداریم امام علی می فرماید اگر حلیم نیستی وانمود کن که بردباری، این کار باعث می شود کم کم حلیم شوی.

در این باب رسیدگی کردن به نقدهایی که به ما می شود در سال 89 که رهبری به قم مشرف شدند دیداری با جانبازان داشتند. بعد از نماز آقای مروی می گویند رهبری مرا صدا زد و یک نامه 7 – 8 صفحه ای به من نشان داد و گفت این نامه زیاد است ولی بسیار شیرین است. من می خواهم این نامه را بخوانم بعد به شما می دهم تا رسیدگی کنیم. این نامه از بیت تا همه را زیر سوال برده است.

1. تغییر موقعیت: ما با کسی که دارای صفتی است اگر نشست و برخاست کنیم ما هم دارای آن صفت می شویم. امیرالمومنین می فرماید: جالس الحلما حضت حلما با حلما نشست و برخاست کنی تو هم حلمت بالا می رود.

این روش از روش قبلی آسانتر است

امیرالمومنین ثم لیکن آخرهم ... کسانی را بیشتر ترجیح بده که حرف تلخ و تند به تو می زنند.

در حالی که ما کسانی را می پسندیم که بیشتر ما را تمجید کنند.

1. فاصله گرفتن از اهل تمجید:

امام علی: به اهل ورع و صدع بپیوند و آنان را آنچنان تعلیم ده که تو را زیاد تعریف نکنند و بیهوده بخاطر کاری که انجام نداده ای تو را شاد ننمایند که تمجید فراوان ایجاد کبر و نخوت کند و به گردنکشی نزدیک کند.

1. جلسات نقد سازنده تشکیل دهیم. هر مدیری اگر بتواند زمانی را اختصاص دهد برای جلسات نقد. این مساله بسیار مورد تاکید رهبری است. یکی از ویژگی های شهید بهشتی همین بوده که بخشی از زمان جلسه را برای نقد از خودش و یا کاری که انجام می دهد اختصاص می دهد حتی در یک جلسه که بیش از حد از او نقد می شود می گوید ما به هر جا رسیدیم از همین انتقادات سازنده بوده است.
2. درخواست از خدا برای اینکه به ما ظرفیت انتقادپذیری بدهد و وفقنی بطاعه من یددنی و متابعه من ارشدنی خدایا به من توفیق بده که از کسانی که به من پیشنهاد سازنده می دهد پیروی کنم و اطاعت کنم.

یک مسیحی به امام باقر با جسارت گفت انت بقر، حضرت فرمود انا باقر گفت انت ابن الطباخه، فرمود ذاک حرفتها، انت ابن السودا الزنگی ان کنت صدقت غفرالله لها و انت کنت کذبت غفرالله لک. با همین برخورد این مسحی مسلمان شد.

**23 تیرماه / مشایخی**

در دعای یازدهم صحیفه یا من ذکره شرف للذاکرین.... واشغل قلوبنا ...

دو مطلب از صحیفه در باره موقعیت ما در زندگی در رابطه با سلامت و عدم سلامت می گویم

امام سجاد می گوید در طول زندگی دو حالت داریم. سلامت و غیر سلامت

حالت سلامت همان حالت عبادت ماست. اینکه انسان در حین انجام عمل عبادی باشیم در موقعیت صحت و سلامت در حالت معنوی هستیم یا من ذکره شرف ..... یا من طاعته نجات ...

برای ذاکرین و شاکرین و مطیعین. اسم فاعل دلالت برا استمرار می کند و این ذکر و شرافت و اطاعت باید استمرار داشته باشد و شخصیت و هویت فرد دارای این خصوصیات باشد تا بتوان گفت او در حالت سلامت باشد.

اما اینطور نیست که ما همواره در موقعیت ذکرو شکرو اطاعت باشیم پس در بسیاری اوقات در آن حالت سلامت نیستیم و به عبارت علما در منطقه الفراغ هستیم که زمان خطرناکی است و حدود هشتاد درصد یا بیشتر از زندگی ما را تشکیل می دهد که این زمان سلامتش تضمین نشده است. فان قدرت لنا فراغ عن شغل فاجعله فراغ سلامه. اینجاست که ما لغزش پیدا می کنیم و دچار انحراف می شویم. برای اینکه وقتی در این منطقه قرار گرفتیم برای ما تبعات نداشته باشد و به گناه و حرام و شقاوت دچار نشویم و حتی دچار ضیق نفس هم نشویم (کمتر از گناه) و قلوب ما تاریک نشود باید تمهیداتی بیندیشیم که بتواند ما را مصون کند و مقاوممان کند. خوب بهترین کار این است که در این محیط غیرسلامت هم گرایش به عبادت داشته باشیم. در دعای مکارم الاخلاق اللهم وفر بلطفک نیتی نیت مرا وافر کن یعنی در هر کاری که می خواهیم انجام دهیم نیت الهی کنیم می خواهیم مطالعه کنیم، غذا بخوریم و هر کاری خواستیم بکنیم با نیت الهی باشد. همه اعمال ما می تواند با نیت الهی انجام شود تا ملکوت اعمالمان الهی و قدسی شود. در امور اداری هم می توانیم همه کارهایمان را به نیست الهی انجام دهیم این می شود عبادت به معنا العام و معنای خوشا آنان که دایم در نمازند همین است.

این مرحله ضروری است ولی کافی نیست باید یک سری کارهای سلبی هم انجام دهیم لذا می فرماید خدایا کاری کن که من خودم را کنترل کنم از چیزهایی که مرا مشغول می کند و اهتمام خودم را بگذارم برای چیزی که مرا از اهتمام نسبت به تو باز می دارد. پرداختن به مسائلی که ما را از ذکر خدا باز میدارد زمینه های ایجاد محیط سلامت را از بین می برد.

خدایا مرا به کاری بگمار که در فردای قیامت از ما درباره آن سوال می کنند. خیلی از کارهایی که در طول روز انجام می دهیم از کار هایی نیست که در برابر آن مسئول باشیم بلکه ما خودمان را به آنها می گماریم. هر چند ممکن است این کارها حرام هم نباشد ولی این کارها بستر غیر سلامت را برای ما فراهم می کند

خدایا نه تنها مرا به کاری بگمار که برای آن خلق کردی بلکه تمام دوران زندگی مرا در این محدوده قرار بده. این دقیقا به معنای قرار گرفتن در منطقه سلامت است.

**6 مرداد اخوی**

**راه های افزایش انگیزه**

هر کاری باید انگیزه داشته باشیم یکی از بحث های مهم اخلاقی داشتن انگیزه های والا است هر چه انگیزه والاتر باشد تلاش انسان بیشتر و حرکتش هم وسیع تر است مثل مجاهدان راه خدا . در طول تاریخ انبیا و اولیا و حضرت امام حسین انگیزه های بالایی برای ابلاغ دین داشتند تا جایی که حاضر شدند جانشان را بدهند. فرمود اگر دین خدا جز با ریختن خون من حفظ نمی شود پس ای شمشیرها مرا فراگیرید.

کسی که می خواهد کار کند باید انگیزه داشته باشد حال این انگیزه یا مادی است و دنبال کسب درآمد است، یا انگیزه اش اجتماعی است و دنبال کسب جایگاه و شهرت و موقعیت است. گاهی انگیزه اش معنوی است مثل کمک به مردم و .... گاهی انگیزه اش الهی است در این قسم هر چه بالا می رود انگیزه و تلاشش بیشتر است.

راه های ایجاد و تقویت انگیزه در سازمان چیست که انسان صبح که بیدار می شود با شور و شوق بیاید سرکار.

مغازه داری که چک و بدهی دارد تعطیل و غیر تعطیل ندارد و دائما در حال کار است و انگیزه بالا دارند.

1. یکی از نشانه های آدما های بی انگیزه این است که بی خیال و بی توجه هستند و حساسیت چندانی نسبت به کار ندارند. خسته و بی حوصله اند، نشاط کاری و انرژی ندارند
2. بهره وری آنها پایین است و چون انگیزه ندارند حضور و عدم حضورشان مساوی است. حدود 50 درصد از نیروهای انسانی سازمانها از وقتشان استفاده درست نمی کنند. این نشانه پایین بودن بهره وری است.
3. ارائه خدماتشان به دیگران با کیفیت پایین است. ارجاعات بیهوده و غیرلازم می دهند و از روند کارش مشخص می شود که گویا نمی خواهد خدمتی ارائه دهد. در روایت داریم که وقتی انگیزه بالا باشد جسم قوی تر می شود. مثلا وقتی انسان در خطر باشد با تمام توان فرار می کند تا خود را از خطر برهاند..
4. یکی از نشانه ها افزایش سهل انگاری ها است. سهل انگاری ها معمولا عمدی است
5. پخش شایعات، اگر انگیزه بالا باشد افراد فرصت ورود به شایعات را پیدا نمی کنند.
6. اختلافات افزایش می یابد هر چه انگیزه ها بالاتر باشد اختلافات کمتر می شود و برعکس

اما نشانه های افرادی که انگیزه بالا دارند:

1. افراد با انگیزه تعهد دارند و مسئولیت پذیرند.
2. خلاقیت و نوآوری دارند، کارها، طرح حا، برنامه های جدید دارند. برای خودش کار می تراشد وگر نه برای سازمان کار می تراشد
3. نظم و انظباط دارد. ورود و خروجش به وقت، مرخصی هایش مشخص و کارهایش روی نظم است.
4. کارها را کامل و متقن و با دقت انجام می دهند
5. نیروها که انگیزه بالا داشته باشند همکاری هایشان زیاد می شود.

سازمان باید حمایت های متعددی کند از جمله حمایت مادی، رفاهی، معنوی و عاطفی و علمی تا انگیزه ها بالا رود.

**اخوی ادامه انگیزه 5 آبان مرداد**

موانع ایجاد انگیزه

1. ساختار سازمانی. ساختار هرچه منظم تر، منسجم تر، دقیق تر و هماهنگ تر، پویاتر و زنده تر و کوچک تر باشد
2. قوانین و مقرارات. قوانین شفاف روشن و حساب شده
3. سلسله مراتب تصمیم گیری هر چه تصمیم گیری ها راحت تر سهل الوصول تر و ساده تر باشد انگیزه ها بیشتر می شود
4. عدم پیگیری مصوبات و قوانین، در هر بخشی باید همه مصوباتشان را یک دوره مرور کنند و نسبت به اجرای آن پیگیر باشند
5. عدم توجه به خلاقیت ها نو آوری ها و طرح ها و ایده ها و پیشنهائات افراد است. سازمان ها دو گونه اند برخی سازمان ها یک سری استناد بالا دستی دارند و مدیرانی رال بکار می گیرند تا آن را اجرایی کنند ولی سازمان های خصوصی بیشتر از طرح ها و ایده های جدید استفاده می کنند تا درصد موفقیتشالن را افزایش دهند اداراتی که فقط دستور می گیرند نشاطو انگیزه ندارد . سازمانی پویا است که طرح ها و پیشنهادات را بشنود

عدم توجه به خلاقیت ها خلاقیت را می کشد و تکرار باعث خسته کننده بودن کار می شود.

1. تصمیم گیری های سلیقه ای. در حالی که قانون و مصوبات و آیین نامه ها وجود دارد نباید بر اساس سلیقه شخصی عمل شود. برخی در جلسه با وجود رای گیری و اظهارات متعدد، آخر کلمات خود و نظر خودشان را به عنوان مصوبه می نوبیسند و برخی کارشناسان هم سلیقه ای عمل می کنند
2. رفتارهای خشک و بایدها و نباید های اداری غالبا انگیزه ها را می کشد. سازمانی که انعطاف پذیر نباشد و من مامورم و معذور بگویند انگیزه ها را می کشد
3. عدم استفاده بهینه سازمان از منابع انسانی و عدم حمایت از آنها. مدیر گاهی در جلسات رسمی آنقدر از نیروی خودش اشکال می گیرد و حمایت ننمی کند و همه مشکلات را گردن او می انئدازد که انسان تعجب می کند. اگر نیرو احساس کند که تحت امر کسی است که فقط به فکر منافع خودش هست و فقط می خواهد موقعیت خودش را حفظ کند این باعث می شود انگیزه های نیروها از بین می رود.
4. آموزش دادن به نیروها به ویژه در جابجایی ها/ ما نیروها را می سوزانیم نمی سازیم. نیرو باید در سازمان رشد کند و مراتب رشد و پیشرفت را طی کند. این پروسه باعث افزایش انگیزه در افراد می شود.
5. مشکلات شخصی، شخصیتی، خانوادگی و فردی در کاهش انگیزه بسبار تاثیر دارد. کسی که هنگام خروج از خانه با همسرش دعوا کرده نه تنها انگیزه کار کردن ندارد بلکه انگیزه زندگی هم ندارد. خیلی از مواقع مشکلات فردی و آسیب های فردی مثل بیماری، استرس، اضطراب
6. مقایسه کردن موقعیت خودش با دیگران در سازمان یا مراکز همسو، این رفتار در خانم ها بیشتر است. احساس توجه به دیگراتن و توجه نشدن به خود . کسانی که احساس می کنند در جایگاهی که باید باشند نیستند بی انگیزه می شوند و حتی نسبت به انجام امور اداری هیچ اهتمامی ندارند
7. ضعف در مسائل اعتقادی و معنوی و اخلاقی. برخی مسائل معنوی سبک زندگی و اخلاقشان مناسب با مراکز دینی و مذهبی نیست و هر چند در داخل ظاهر را حفظ می کنند ولی در بیرون واقعا جور دیگری زندگی میکنند و نسبت به بسیاری از مسائل مذهبی سست هستند.
8. مشکلات و آسیب های موجود در سازمان و رها شدن کارها. گاهی کارهای سازمان مثل رها شدن در رودخانه است که معلوم نمی شود چه سرانجامی پیدا می کند در حالی که برلای این طرح ها و برنامه ها جلسات مختلفی تشلیل شده است.
9. یکی از نقاط ضعف ما این است که نقاط ضعف را بیشتر می بینیم و نقاط قوت را کمتر. این مساله در سازمان باعث کم شدن انگیزه ها می شود. سازمان را باید به عنوان یک مجموعه، همه نقاط قوت و ضعفش را با هم دید

شکرک لنعمه شکر تو بر نعمت گذشته زمینه ساز نعمت آیده است. امام حسین

1. ایده آل نگری و کمال گرایانه نگاه کردن به همه مسائل با عث کم شدن انگیزه می شود چون سازمان هر چند دنبال رشد و تعالی است ولی در مدت کوتاه نمی توان به آن هدف رسید.

راه حل تقویت انگیزه، تقویت ایمان، باورها، باور به سازمان، امیدواری، افزایش ارتباطات سازمانی، سازمان پذیری، همراهی با سازمان، استفاده از نظر متخصصان، مشورت کردن، گفتگو کردن

انسان خودش را با خودش مقایسه کند و به این سوال پاسخ دهد که من برای سازمان چه کرده ام.

**اخوی 12 آبان**

 به گزارش روابط عمومی، نوزدهم جلسه درس اخلاق کارمندی با موضوع «تقویت کرامت و عزت نفس در سازمان» صبح امروز با سخنرانی حجت‌الاسلام‌والمسلمین اصغر اخوی در حسینیه امام خمینی(ره) برگزار شد.

در این جلسه حجت‌الاسلام‌والمسلمین اخوی با تبریک میلاد با سعادت امام حسن عسکری علیه‌السلام گفت: این امام همام در سال ۲۳۲ هجری قمری چشم به جهان گشود و در سال ۲۶۰ هجری قمری به شهادت رسید و در طول این ۲۸ سال زندگی پربرکت خود بیشتر از طریق نامه‌نگاری و با تحمل سختی‌های فراوان برای استمرار مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام تلاش کردند.

وی با اشاره به این‌که موضوع «تقویت کرامت و عزت نفس در سازمان» بسیار مهم و عامل انگیزه بخشی به کارکنان است بیان داشت: از آیه «ولقد کرمنا بنی آدم» استفاده می‌شود که همه انسان‌ها حتی غیرمسلمانان و کفار هم کرامت، عزت، حرمت، احترام و ارزش دارند و باید در راه حفظ آن تلاش کرد.

مدیر مرکز مشاوره با بیان اینکه کرامت دو بخش ذاتی و اکتسابی دارد اظهار داشت: آنچه مهم است، کرامت اکتسابی است چرا که بر اساس قرآن «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» بااین‌حال حفظ کرامت دیگران واجب است.

وی ادامه داد: کسی که احساس شخصیت و ارزشمندی نکند هرکاری را ممکن است انجام دهد و از شر او در امان نیستیم. از سوی دیگر عزت نفس ساختارهای روان‌شناختی فرد را حفظ می‌کند و سپر مهمی برای شخصیت فرد در برابر ناملایمات است و همین مسئله باعث افزایش قدرت صبر و مقاومت فرد شده و احتمال موفقیت او را در امور زندگی افزایش می‌دهد.

حجت الاسلام والمسلمین اخوی با اشاره به اینکه ایمان یکی از عوامل مؤثر در افزایش عزت نفس است گفت: در سوره عصر می‌فرماید همه انسان‌ها در خسران هستند مگر کسانی که ایمان واقعی و عمل صالح داشته باشند و نیز کسانی که توصیه به کار حق و صبر می‌کنند.

وی با بیان اینکه عزت نفس می‌تواند بسیاری از مشکلات فرد، خانواده و سازمان را حل کند، ادامه داد:  بین عزت نفس و موفقیت، اخلاق، ایمان، رشد و پیشرفت رابطه معناداری وجود دارد، هر چه یکی از این عوامل افزایش یابد، عوامل دیگر هم افزایش می‌یابد.

مدیر مرکز مشاوره با اشاره به اینکه عزت نفس باعث ایجاد احساس مفید و مؤثر بودن در سازمان می‌شود و رابطه فرد را با دیگران بهبود می‌بخشد، اضافه کرد: یکی از ارکان سازمان نیروی انسانی است، احترام گذاشتن به نیرو، تحصیلات، حرفه و تخصص او باعث افزایش عزت نفس و کرامت انسانی می‌شود.

وی در ادامه به رفتارهایی اشاره کرد که می‌توانیم با آنها به دیگران  کرامت ببخشیم و گفت: احترام بدون قید و شرط به همه بدون در نظر گرفتن رتبه و جایگاه، احترام به پست و جایگاه سازمانی افراد و تبعیت از او و رعایت سلسله مراتب سازمانی، احترام به دیگران در گفتار، رفتار، جلسات، نگارش نامه و دیگر موارد، احترام در دستور دادن در کارهای اجرایی، پرداخت حقوق و مزایا و هدایا به‌صورت محترمانه، حفظ اسرار و آبروی افراد، اعطای پست متناسب با شأن افراد بر اساس تحصیلات، سابقه، تجربه و مهارت، تخصص و ...، از جمله رفتارهای سازمانی است که باعث حفظ کرامت و افزایش عزت نفس نیروها می‌شود.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین اخوی در پایان بیان داشت: مهمترین نکته در کرامت بخشیدن به افراد و ارتقای عزت نفس آنها این است که قدر نیرو در سازمان دانسته شود.

**سعیدی 29 اردیبهشت**

پیامبر: در محشر وقتی صحنه محشر برپا می شود عابد را به بهشت و می گویند مزد عبادت تو بهشت است و عالم را نگه می دارند و می گویند مزد کار تو شفاعت است.

اصولا واژه خدمت و دستگیری از دیگران و تیمار و توجه به دیگران از زیباترین واژه هاست و در اسلام به همه سفارش شده که نسبت به آن توجه داشته باشیم.

اهل معرفت ارزش خدمت به خلق را خوب درک کرده اند از این رو زحمات فراوانی بر خود تحمیل کرده اند که نکند شبانه روز بگذرد و از خدمت به خلق محروم شوند.

هر کس برداشتی از واژه خدمت دارد، عارف به نحوی، فیلسوف به نحوی و عالم به نحوی و برداشت هر کس بنا به ظرفیت خودش است.

گاهی انسان به خودش خدمت می کند و این امر با درمان امراض باطنی محقق می شود. کنترل زبان، کنترل چشم و کنترل نفس اینها بهترین نوع خدمت به خود است.

گاهی انسان خدمت به خانواده می کند که در روایت داریم الکاد لعیاله کالمجاهد فی سبیل الله

گاهی انسان خدمت به هم نوع خدمات عمومی

گاهی انسان خدمت به همکار دارد

آنچه که مهم است این که این اصل اساسی جایگاه خودش را در زندگی داشته باشد. امام علی در راه در حرکت بودند مرد مسیحی گدایی می کرد کمک کردند و به اطرافیانش تشر زد که شما از ججوانی او استفاده کردید حالا که زمین گیر شده رهایش کردید

اینها را ما در لایه های اداری می توانیم بگنجانیم همه ما موظفیم و کسی که در پست بالا قرار دارد باید نسبت به این رابطه خدمتی توجه داشته باشد

پیامبر ان الله عزوجل فی عول المومن ما کان العول فی اخیه خدا پناهگاه شماست تا وقتی که شما پناهگاه دیگران باشید و از دیگران دستگیری کنید

من قضا لاخیه المومن کسی که برای برادر مومنش اقدام به رفع حاجت کند یک روزگار عبادت کرده است.

اصل اساسی همان است که حضرت فرمود اگر به دیگران کمک کردی خدا به تو کمک می کند.

در روایت دیگر از پیامبر می فرماید کسانی که به دیگران خدمت می کنند در ورز قیامت در امنیت به سر می برند. این امنیت مزد خدمت است

به گواهی تاریخ پس از انبیا و اولیا کسانی که در خدمت کردن به خلق حرف اول را می زنند علمای اسلام هستند. امام خمینی سراپای وجودش خدمت است. ایشان در تبعید هم می فرمود اصل خدمت به مردم است در وصیت نامه هم به مسئولین سفارش مردم و خدمت به آنها را می کند. از منظر امام همه چیز امام ، امت است از این رو خدمت به خلق یک اصل مهم و محکم کننده رابطه امام و امت است.

برای رسیدن به سعادت باید جامع نگر بود و برای جامع نگری باید دیگران را هم دید و به عبارتی باید درک متقابل در جامعه ایجاد شود

ثمرات خدمت

بهشت: پایه وجودی شما چون بر اساس خئدمت سرشته شده ثمره اش بهشت است.

اداره جنگ هشت ساله، نوشتن الغدیر توسط یک عالم، تربیت فرزند برای اینکه در مسیر دین گام بردارد، گره گشایی از کار کسی در محیط کار، نگاه مهربانانه مسئولان به زیردستانش برای ایجاد نشاط کاری همه اینها نوعی خدمت است.

یک شمع روشن می تواند هزاران شمع را روشن کند و از نور او کم نشود خدمت مانند این شمع است

زبان استخوان ندارد ولی آنقدر قدرت دارد که دلی را بشکند اگر دلی را نشکنید خودش بهترین خدمت به خلق خدات

امام حسین می فرماید حاجت مردم نزد شما و برطرف کردن آن از نعمت های الهی است تلاش کنید این نعمت خدمت را از دست ندهید

**شفیعی 14 مهرماه**

**شرح و تفسیر نمونه هایی از اخلاق اداری منتظران حضرت**

در میان ائمه دو امام داریم که در دوران کودکی به امامت رسیدند امام جواد و امام زمان

امام جواد چون اولین امامی بود که در دوران کودکی به امامت رسید شیعیان خیلی به مشکل برخوردند چون توجیه نشده بودند و متحیر بودند که چطور امامت یک کودک را بپذیرند و حتی برخی خواص امامت ایشان را نپذیرفتند ولی با دیدن معجزات و مناظرات ایشان سرانجام امامت ایشان را پذیرفتند و این شد که در امامت امام زمان این مشکلات را نداشتیم و در حقیقت امامت امام جواد این شبهات و گره های فکری را برای شیعیان حل کرد.

در روایات دوران غیبت صغری و کبری دوران بسیار سختی است. تکرار قصه انحراف خواص بعد از امامت امام حسن عسکری باز اتفاق افتاد و پس از شهادت امام حسن عسکری برخی خواص سقوط کردند که هفت نفرشان خیلی مشهور بودند مثل شلمقانی

در جریان اغتشاشات و فتنه اخیر دیدید که برخی مسئولان و عمامه به سر ها لغزیدند ولی آن مادر شهید را ببینید که چقدر محکم اعلام می کند که پشت سر رهبری و نظام اسلامی ایستاده است.

در روایت داریم که پیامبر می فرماید المهدی من ولدی اسمه اسمی کنیته کنیتی اشبه الناس بی خلقا و خلقا یکون له غیبه و حیره تضل الخلق عن ادیانهم فعند ذلک تقبل کالشهاب الثاقب فیه در چنین زمانی عدل و قسط برپا می شود و پرده ظلم و جور کنار می رود.

مدال افتخار منتظر را داریم. اخلاق یعنی مجموعه دین، چون پیامبر فرمود انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق. علامه طباطبایی اخلاق را سه قسم می داند 1- اخلاق در ارتباط با خدا 2 در ارتباط با خودت 3 در ارتباط با دیگران که این قسم در خانه و در غیرخانه است که در غیر خانه با مسئول، کار مند همکار و ارباب رجوع است

اولین اخلاق کارمندی این است که قدر این موقعیت کاری مان را بدانیم و آن را ارزان نفروشیم هر چند ممکن است کم لطفی و بی توجهی به شما بشود ولی باید قدر این مسئولیت را دانست. مسئولیت نعمت خداست. امیرالمومنین خدا گاهی گلچین می کندئ از بین بندگانش و به آنها نعمتی میدهد که به دیگران نمی دهد. و این بخاطر آن است که بندگان خدا از قبل این نعمت بهره مند شوند. خداوند این موقعیت را در اختیار آنها قرار می دهد تا زمانی که خدمت کنند اما زمانی که امساک کرد خدا این نعمت را از آنها می گیرد و در اختیار دیگری قرار می دهد.

بهره گیری از فرصتی که خدا در اختیار مان قرار داده

پیامبر: ان لربکم فی ایام دهرکم نفحات فتعرضو له پشت به این نسیم ها نکنید شاید نسیمی گیرت بیاید اگر از آن بهره گرفتید بدعاقبت نخواهید شد.

دل بستن به میز و مسئولیت بدعاقبتی در پی دارد.

لقمانی 18 فروردین

ماه رمضان فرصتی استثنایی برای بندگانی استثنایی با جوایزی استثنایی است

رهبری ماه رمضان بهشتی است در زمین در جهنم دلبستگی ها و وابستگی های مادی امروز زندگی

رهبری بهترین کار در ماه رمضان خود سازی است

مقابل خودسازی خودسوزی است

الورع عن محارم الله سکوی پرتاب ما در ماه رمضان است

فرق تقوا و ورع: در تقوا ما گناه نمی کنیم در ورع فکر گناه هم نمی کنیم.

فکر بد فعل بد می آورد . آیت الله بهائالدینی نیت هایتان را خیر کنید تا خداوند اختیار موجودت را به دست شما بدهد.

یکی از بهترین گام ها خلق و خوی خوش است. یک روز به روشن بینی زندگی کردن بهتر از صد سال زندگی در تاریکی است.

ما برای قامت و قیافه و مبل و وسایل خانه و ... آفریده نشدیم

پیامبر من نیامده ام تا ایراد بگیرم و بهانه تراشی کنم آمده ام تا مهربانی کنم و مهر بورزم.

خانواده راضی و خوشحال بهشت زودرس است

این جمله شهید سلیمانی از نفحات روح القدس به ایشان است کسی که می خواهد شهید شود باید شهید باشد

پیامبر ربیع الصبیان التراب . ربیع دلهای ماه ماه مبارک رمضان است.

اگر در درون خودمان صلح آشتی برقار کنیم با همه در صلح و آرامش خواهیم بود.

و نزعنا ما فی صدورم غل ما بهشتی ها را قبل از اینکه وارد بهشت شوند کدورت ها و حسادت ها و غل و غش ها را از دل او می کنیم

سرور در قرآن یعنی شادی از ته دل نه لبخند و شادی و خنده

یکی از ویژگی های صاحبان اخلاق نشاط است. انسان های بال نشاط جان می دهند

افراد آنگونه که زندگی می کنند می میرند

سردار کاظمی قسم خورده که والله روزی نیست که به فکر شهادت نباشم اینها به خاطر صفای باطن و اشکی که می ریختند بهشت را می دیدند و رفقای بهشتی شان را می دیدند وگرنه امکان ندارد انسان اینگونه دل کنده از دنیا و زخارفش باشد.

تا بهشتی نباشی بهشتی نمی شوی با بدگویی و تهمت و غیبت انسان بهشت نمی شود. پیامبر می فرماید وابستگی و دلبستگی به دنیا ریشه همه خطاها است.

آیت الله جوادی آملی شیطان انسان را نمی کشد آبروی او را می برد اول به کم قانع می شود ولی تا شصت سال او را خانه نشین نکند دست بردار نمی شود.

در دنیا جای کافی برای همه هست

آبهای خارج از کشتی برای حرکت کشتی نافع است ولی وای به زمانی که این آبها وارد کشتی شود.

امیر مومنان کسی که در زندگی به داشته های خود قانع باشد پادشاهی می کند

اگر انسان قانع گفت تمام دنیا برای من است باور کنید.

بر اساس روایات اخلاق خوش، زبان نرم، دست بخشنده، از راه حلال به دست بیاورد در راه حلال بدهد اینها به زندگی سرور می دهد

وقتی انسان هنر خوب زیستن را یادگرفت مردن برای او زیستنی دیگر است

**لقمانی 25 فروردین**

پیامبر علی جان اگر خداوند به وسیله تو یک نفر را هدایت کند از دنیا و آنچه در آن است بهتر است

هدایت مساله مهمی است که دست خداست ان علینا هدی

سوره 47 سوره حجر: آیا می توانیم در دنیا بهشت داشته باشیم بله خانواده خوشحال و راضی و با نشاط و امیدوار بهشت زود رس است

نزعنا می کنیم گاهی نزع در این دنیا است گاهی در ان دنیا

برخی واردات قلبی را مثبت می کنند صادرات قلبی مثبت می شود این یعنی مدیریت افکار

قلب فرمانده عاطفی بدن است نباید غیر از خدا در آن جای داد.

وقتی انسان افکارش مثبت و نورانی شد اعمالش هم نورانی می شود این است که گفته اند انسان عمل ساز است عمل انسان ساز

نزعنا ما فی صدورهم من علم

علم صفات بد است حسد، بدبینی و ...

علی سرر تختی که سرور میدهد

پیامبر معروف بوده بسام از بس که تبسم داشته است. ایشان فرموده من دوست ندارم پیروان من خشن و عبوس باشند شادی کنید ولی معصیت خدا را نکید

شادترین افراد مذهبی ترین آنها هستند چون ته دلشان شاد است. به یک وضو، دو رکعت نماز از ته دلشان شادند.

بهترین جمله را حضرت امیر در حساس ترین شرایط می گوید فزت و رب الکعبه

بهشتیان از هم درباره راز بهشتی شدن می پرسند می گویند انا کنا قبل فی اهلنا مشفقین. علاقه فراوان و رسیدگی به اهل و عیال و ترس شدید از عاقبت آنها معنای مشفق است.

اگر می خواهی بهشتی شوی باید قیمتی زندگی کنی نه اینکه به هر قیمتی زندگی کنی

راه شادی از درون دان نی از برون، شادی به دل است نه ه قهقهه زدن و نه به وسائل مجلل داشتن.

می خوای خوش باشی خوشحال کن

می خواهی گره زندگی ات باز شود گره زندگی دیگران را باز کن

سعی کنید آه کسی دنبالتان نباشد آه اسم من اسماءالله .

امید از لشکریان خداوند است امید داشتن و امید دادن کاری بس ارزشمند و مورد عنایت خداوند است

**لقمانی 8 اردیبهشت**

یکی از موضوعات بین المللی بحث ادب هست

این مساله فراتر از مساله شخصی است

ادب ورزش نفس و کارزار نفسانیات برای پیدا کردن ارزش های اخلاقی و ادب نگاه داشتن حد نسبت به هر چیزی است. گناه بدترین بی ادبی نسبت به خویشتن است. در روایات داریم اگر دیدید کسی با گناه دارد به خودش ظلم می کند هیچ انتظار مهربانی از طرف او به دیگران نداشته باشید.

ادب نسبت به خلق: به پیامبر گفت می خواهم مردم مرا دوست داشته باشند ایشان فرمود اولا هیچ چشمداشتی به اموال آنها نداشته باش و دوم به آنها احترام بگذار.

پیامبر: ادبنی ربی فاحسن الادب خداوند مرا ادب کرد و چه نیکو ادب کرد.

امیر مومنان به کمیل می فرماید خداوند پیامبر ا ادب کرد پیامبر مرا و من مومنین را

ام سلمه می گوید پیامبر مرا مسئول ادب کردن فاطمه نمود ولی از هر جهتی وارد شدم دیدم او با ادب تر از من است.

اینها نشان می دئهد که توجه دین به ادب بسیار است و در کسی که جایی مسئولیت دارد باید بیشتر ادب داشته باشد کسی که در یک موسسه تلفن جواب می دهد باید بسیار با ادب باشد چرا که اعتبار آن موسسه وابسته به ادب اوست.

برخی توصیه ها نسخه نیست، دارو است. به کارمند شهرداری گفته بودند روزی 50 آیه قرآن بخوان، می گفت بعد از مدتی تصمیم گرفتم هر روز معنای یک آیه را بخوانم و در زندگی عمل کنم تا اینکه یک روز به آیه ان ربک لباالمرصاد رسیدم، تصمیم گرفتم کار مردم را فوری راه بیندازم. از همان روز همه مشکلات زندگی ام حل شد.

اعرابی نزد پیامبر آمد و گفت روز قیامت حساب و کتاب ما با کیست. پیامبر فرمود با خداست اعرابی گفت با خود خداست فرمود بله، خندید و رفت. پیامبر فرمود صدایش بزنید ، پیامبر گفت چرا خندیدی گفت شخص کریم وقتی در موضع قدرت باشد می بخشد انتقام نمی گیرد. پیامبر فرمود او فقیه بازگشت.

گاهی یک برخورد مهربانانه و مودبانه انسان را نجات می دهد حر را ادبش نجات می دهد. از روز دوم محرم که راه را بر امام بست تا روز عاشورا هیچ گزارش تاریخی از کارهای حر نداریم ولی روز عاشورا به لشکر امام می پیوندد و عاقبت به خیر می شود. زهیر هم همینگونه مودب بود و همین ادبش نجاتش داد.

اگر می خواهی خدا دست از حمایتت برندارد آن موقع که وضعت خوب شد هم سر رشته را نگه دارد.

در روایت داریم: هر کس را نکوهش کنید نمی میرید مگر عین آن عمل را انجام دهید.

آیت الله بهاءالدینی می فرمود در چهارراه سجادیه قم دو جوان بی ادب گربه ای را آتش زند، گربه می دوید و آتش شعله ور تر می شد و این دو می خندیدند، چند روز بعد رضا خان به قم آمد، بدون دلیل کلتش را کشید و این دو جوان را کشت. آیت الله بهاءالدینی می فرمود خدا از ظالمی به دست ظالم دیگری انتقام گرفت.

حتی نیت انسان تاثیرگذار است

علی: ادب نماد کمال عقل است

ترجمه خواندنی قرآن